

بررسی اندیشه های شیخ بهایی در شهرسازی؛ بررسی موردی: شهر اصفهان

سلدا نظری^۱، *، علی خیابانیان^۲

۱- گروه شهرسازی، واحد سلماس، دانشگاه آزاد اسلامی، سلماس، ایران. S_nazari@iausalmas.ac.ir

۲- Ali_khiabaniyan@yahoo.com

چکیده

معماری و شهرسازی اسلامی از موضوعات مهمی است که سالهاست مورد توجه معماران و شهرسازان قرار گرفته است؛ به ویژه تطابق چنین مفاهیم عمیق و والایی با شرایط فرهنگی و بومی منطقه اندیشمندان این حوزه را به کنکاش در عمق تاریخ و بررسی مبانی نظری طراحان و متفکرین قرون گذشته و خواستگاه فرهنگی جامعه آنها واداشته است. شیخ بهایی از جمله متفکرینی است که با شخصیتی چند بعدی در گذر از نظر به عمل بسیار موفق بوده است. الگوی ارایه شده شیخ بهایی برای اصفهان را می توان به عنوان نمونه ای موفق در این زمینه مورد بررسی قرار داد. این الگو برخلاف نمونه های کم و بیش هم عصر خویش مانند الگوی ارایه شده توسط سایر طراحان و اندیشمندان همچون لئوناردو داوینچی در حد تئوری باقی نماند و جامه حقیقت پوشید. این مقاله به بررسی آرا و اندیشه های شیخ بهایی و برداشت ایشان از متون اسلامی و ترجمه آنها به طرح و کالبد شهری با استفاده از راهبرد مقایسه ای می پردازد. این راهبرد برای کشف ارتباط بین آموزه های اسلامی و نتایج شهرسازانه آن که توسط شیخ بهایی ارایه شده است در شناخت بهتر از اوضاع فعلی جامعه و تطابق که از آن یاد شد می تواند راهگشا باشد. این مقاله که به روش اسنادی تدارک شده بر سر آن است که از لابلاي خشت ها و آجرهای فضای فکری شیخ بهایی، اندیشه تفکری که مایه به هم آرائی فضاهای معماری و ساختار شهری شده است را به ویژه در قالب شهر اصفهان بررسی کرده و فرایندی از نظر به عمل که بتوان از آن در عرصه شهرسازی کشور استفاده کرد ارایه کنیم.

واژه های کلیدی: اصفهان، تحول و توسعه اجتماعی، دانش میان رشته ای، طراحی شهری

۱- مقدمه

معماری صرفاً یک هنر صرف زیبایی شناختی نیست بلکه باید در آن به تلفیقی از دانش، فن آوری و ساختار توجه شود؛ یا به بیانی دیگر در کنار زیبایی و جذابیت و هم به لحاظ مفهومی برگرفته از اندیشه هایی عمیق و سازنده باشد و نیز اینکه در دنیای واقعی نیز تجسم یافته و خود را در قالب کالبدهایی مشخص نشان دهد. شیخ بهایی یکی از ستاره های معماری ایران است و معماری او در عصر صفوی، عین به عین الگویی از این اصول اساسی در فن و هنر معماری است. شیخ بهایی همچون سایر بزرگان اندیشه و ادب ایران تنها به یک حوزه فکری یا عملی محدود نمی شود و به بیانی امروزی از دانشی میان رشته ای برخوردار است؛ علم و دانش ایشان در مباحث دینی و فلسفی، تسلط بر ریاضیات و فنون مهندسی و شهرسازی و کتابت و تفکر در حوزه های مختلف توانمندی ویژه ای را در به اجرا در آوردن مباحث نظری حتی در قالب معماری و شهرسازی را ممکن ساخته است. امروز، متأسفانه، فقط اصول مهندسی و مدیریت شهری در ارائه امکانات و تسهیلات مادی و رفاهی، رعایت می شود، البته اگر رعایت شود. اما حکمت و هنر و عرفان چه جایگاهی در نظام طراحی شهری دارد؟ آنگاه که یک طرح جامع شهری، در حال طراحی است، علاوه بر مهندسیین رشته های مختلف مربوط به شهرسازی و متخصصین محیط زیست، حکمای الهی و هنرمندان، چه جایگاهی دارند؟ در حالیکه در جزء جزء بخش مدرن اصفهان صفوی، علاوه بر اصول مهندسی و نکات فنی، حکمت و هنر و اشراق و عرفان موج می زند. حال مساله اینجاست که چگونه می توان فکر و اندیشه شخصیتی چند بعدی همچون شیخ بهایی را در قالب فرایندی مشخص که در برگیرنده دانش و بعد معرفتی ایشان باشد را تدوین کرد؟

۲- نگاه اجمالی به زندگی نامه شیخ بهایی

شیخ بهایی یکی از درخشان‌ترین چهره های علم و ادب و از شناخته‌شده‌ترین دانشمندان و پرآوازه‌ترین آنهاست که وجود او و چند تن دیگر دوره تاریک و مظلوم صفویه را تا حدودی تابناک کرده بود. او در تمام معارف و علوم و فنون آن روزگار تبحر و اطلاع داشت. وی در سال ۹۵۳ در بعلبک متولد شد و به سال ۱۰۳۰ در شهر اصفهان درگذشت. پدرش که شاگرد شهید ثانی بود در حوالی سال ۹۶۱ به هدف فرار از «اهل طغیان و نفاق» و پیوستن به «دولت ایمان و وفاق» به دعوت شیخ علی منشار که بعداً تنها دخترش همسر شیخ بهایی شد عازم اصفهان شد و در پی آن سالها در طول سلطنت شاه طهماسب شیخ الاسلام شهرهای قزوین و هرات بود اما در نهایت در سال ۹۸۳ با اجازه طهماسب ایران را به قصد بحرین ترک کرد. در حالی که شاه چنین اجازه‌ای به فرزندش شیخ بهایی نداد، رفتن او از ایران در واقع نوعی گریز از فضای سیاسی به سمت یک فضای معنوی بود. وی در آنجا به فرزندش نوشت اگر طالب دنیاست به هند برود؛ اگر خواستار آخرت است به بحرین بیاید و اگر هیچکدام را نمی‌خواهد در ایران بماند [۱]. شیخ بهایی نه تنها یک فقیه بلکه ادیب، ریاضی‌دان، منجم، یک چهره فرهنگی-سیاسی شاخص است که تاثیر مهمی در ادبیات دینی و علمی این دوره و پس از آن از خود بر جای گذاشته است.

شیخ بهایی در علوم مختلف فقه و حدیث و تفسیر و ریاضی و علوم غریبه و روانشناسی و عرفان و دانش‌هایی مثل تعبیر خواب، هیپنوتیزم و جفر، علم عدد و حروف که از علوم غریبه محسوب می‌شوند، سرآمد بوده است. شیخ بهایی در بخشی از این علوم مثل جفر جامع، جفر ابیض، رمل فالگیری مهارت تام داشت. علامه مجلسی اول نقل می‌کند: روزی شیخ بهایی به من گفت: من مسائل کتاب قواعد حلی را می‌توانم از جفر جامع استخراج کنم. گفتم بدین معنی که کل کلمات قواعد علامه در جفر جامع هست و اگر جمع کنید قواعد علامه پدید می‌آید؟ در جواب فرمود این را همه کس می‌داند. من به عنوانی دیگر می‌دانم ... من فی‌الجمله از گذشته‌ها خبر دارم [۲].

۳- ساختار فکری و نظری شیخ و تبلور آنها در امر توسعه و تحول شهری و اجتماعی

تجلی عملی افکار شیخ مستلزم درک نوعی بینش و ژرف اندیشی خاصی است که جامعیت، یکی از ویژگی‌های آن است. بدون تردید اولین گام در دستیابی به چنین مقصودی شناخت غیرکلاسیک و غیرمعمول اندیشه‌های شیخ از لابه‌لای عینیت یافته‌ای از نظرات وی است. جامعیت، در اندیشه شیخ سبب شده که تحلیل‌های تاریخی و یا اجتماعی صرف، نتواند منظور نظر وی را روشن سازد و لذا همانگونه که دانش او ابعاد گوناگونی داشت، باید اعتراف نمود که چند وجهی بودن فهم دانش وی نیز الزامی است. البته این نکته را هم نباید فراموش کرد که احاطه فردی به چند دانش مختلف تنها زمینه‌ساز فهم دانش‌های میان رشته‌ای نیست و البته آنچه سبب شاخص شدن شخصیت شیخ گشته، میان رشته‌ای فکرکردن و نوعی تحلیل بین دانشی است که در وجود او تحقق داشته است؛ زیرا میان رشته‌ای‌ها حوزه‌های جدید و نوئی را در حوزه علوم مطرح می‌سازند که تنها هویت آنها را باید در فرایندی تلفیقی و ترکیبی جستجو کرد. به عبارت دیگر دانستن چند علم در کنار هم برای درک و زایش حوزه‌های میان رشته‌ای کافی نیست و آنچه سبب ممیز شدن جامع‌نگری فکری و ذوعلم بودن فرد وجود دارد به تعدد اشرف یک فرد به دانش‌های مختلف محدود نمی‌شود و چیز دیگری باید در ذهن و پرده‌های خاکستری مغز رخ دهد که امروزه در مفهوم میان رشته‌ای تا حدودی تجلی یافته است. بدیهی است بازشناسی و رخنه به عمق درک و فهم چنین افرادی برای هر محقق نیز مستلزم فهم چنین حوزه‌ها و معارفی است. نکته در خور توجه دیگر در عینیت دادن به افکار شیخ احیای منش و دانش تمدنی و مفهوم آن در میان اهل علم است. این نکته که تولید هر دانشی هرگز منجر به تمدن نمی‌گردد، حقیقتی است که کمتر به آن توجه می‌شود؛ به طوری که از میان دانشمندان ایران زمین تنها تعداد انگشت شماری از آنها به دانش تمدنی احاطه داشته و یا مؤفق به اجرائی نمودن آن شده‌اند. محصول و تولیدات معرفتی وقتی می‌توانند منجر به مدنیت و تمدن شوند که در مدل و الگوهای خاصی تبلور یابند و به عبارت دیگر دانش تمدن‌ساز خود یک رشته خاص از معرفت بشری است

که دارای اصول و قوانین خاصی است. لذا آن چه شیخ را از دیگر علما متمایز می‌دارد، احاطه وی به دانش و معرفت تمدنی است و او از این بخش از دانش خود به خوبی بهره گرفته است [۳].

استراتژی شیخ در مورد توسعه از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود. وی ایجاد موج تحول و توسعه در ایران را نه بر اساس روش‌های معمول یعنی تکیه بر توسعه کشاورزی و یا صنعت و ... قرار داد بلکه وی راه دیگری را برای استراتژی توسعه برگزید و آن تعریف جدیدی از هویت ایرانیان بود. وی اعتقاد داشت بازتعریف هویت جدید نوعی برنامه‌ریزی برای آینده تلقی می‌شود [۴].

تحول و تحول‌گرایی از دایره عده‌های خاص به سطح کوچ‌ها و بازار کشیده می‌شود و چون این موج، فراگیر و همه احاد اقوام و ملل و نحل ایران را دربر می‌گیرد، لذا ظرفیت ذهنی و وجودی تحول‌خواهی ملی افزایش و در نتیجه صاحبان اصلی تحرک اجتماعی، مردم خواهند بود و با چنین ترفندی تحول‌خواهی به عمق و ژرفای جامعه کشیده شد. موج حرکت آرمانی شیخ در مقیاس ملی وجه بسیار شاخص و بارز دیگری نیز داشت و آن تقدسی بود که وی با طرح آن در چهارچوبه معرفت شریعت بدان بخشید.

شیخ به خوبی دریافته بود که برای آن که بتواند با قدرت‌های زمان خویش رقابت کند، تنها متکی بودن به سازمانی علمی که بتواند خوراک توسعه را تضمین کند کافی نیست؛ زیرا توسعه بر مبنای هویت است که در همه عصرها نقش کلیدی در تحولات اجتماعی داشته است اگرچه ممکن است در عصر ما محورهای موضوعی آن تفاوت کرده باشد [۵].

نکته درخور توجه دیگر وی در استراتژی کانون‌های تولید دانش و حکمت استقلال این مراکز از حوزه نفوذ قدرت‌های دولتی بود. اگر چه او تحول و مدیریت جریان دانش و حکمت را رمز پایداری در توسعه می‌دانست ولی به خوبی واقف بود که کانون‌های تولید دانش نباید در زیر سیطره و قدرت مطلقه حکام باشد؛ لذا یکی از ظریف‌ترین سیاست‌ها و مشی‌های وی ترتیب استقلال مالی مدارس از بودجه‌های دولتی بود. همه مدارس و دانشگاه‌های آن روز را با ایجاد پشتوانه‌های مالی وقف از یکسو و تقدس بخشیدن به علوم و صرف هزینه‌های خمس در این بخش نهادینه کرد، به گونه‌ای که دادن شهریه به دانشجویان از طرف اساتید را معمول نمود و این نظر وی استقلال اجتهاد و یا به تعبیری تولید دانش روز را از حیطه حاکمان رهائی داد. نحوه عملی ساختن چنین نظریه‌ای رابطه بین استاد و دانشجو را نیز بشدت عوض نمود و نه تنها دانش را از اختصاص به خانواده‌های اشرافی خارج ساخت که با پرداخت شهریه توسط استاد خضوع دانشجو و علاقه‌مندی عاطفی را نیز بین آنها تعریف و بدین ترتیب دین تربیتی را بر ذهن متعلم نهادینه نمود. این رابطه تحول شگرفی را در رابطه صاحبان معرفت و متعلمان به وجود آورد که تا آن زمان بی‌سابقه بود [۶].

۴- آثار و تالیفات

جامع عباسی: شاخص‌ترین اثر شیخ است در فقه و به زبان فارسی که این خود ابتکاری نو در نگارش متون فقهی به شمار می‌رفت.

۲. الزبده فی الاصول: مهم‌ترین اثر شیخ است در اصول.

۳. اربعین

۴. مثنوی سوانح الحجاز (نان و حلوا): این کتاب آمیخته‌ای از مواعظ، طنز، حکایت، تمثیل و لطایف عرفانی و معارف برین بشری است. با زبانی روان و دلنشین.

۵. کشکول: این کتاب بصورت جُنْگی آزاد، شامل شعرها و نثرهای مورد علاقه بهایی است که برخی از خود وی و برخی نیز گردآوری او از دیوان‌ها و کتاب‌های مورد علاقه‌اش بوده‌اند.

از مثنویات معروف شیخ در زبان فارسی می‌توان از اینها نام برد:

• نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز (بر وزن مثنوی مولوی) در این اثر ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است.

- نان و پنیر (بر وزن مثنوی مولوی) نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی از نظر محتوا و زبان
- شیر و شکر (اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک). شیر و شکر بسیار جذاب است و با وجود مختصر بودن سرشار از معارف و مواظظ حکمی با لحنی حماسی است.
- مثنوی‌هایی مانند نان و خرما، شیخ ابوالحشم و رموز اسم اعظم را نیز منسوب بدو دانسته‌اند.

۵- شاهکارهای شیخ بهایی

- تقسیم آب زاینده رود
- ساخت مسجد چهار باغ به روی لجنزار
- گرمابه شیخ بهایی
- طراحی منار جنبان اصفهان
- مسجد امام اصفهان
- هفت برج خاورن یا ارگ شیخ بهایی
- تعیین سمت قبله مسجد اصفهان
- طرح‌ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر است.
- مهندسی حصار نجف
- ساختمان گلخن گرمابه شیخ بهایی
- شاخصی برای تعیین اوقات شبانه‌روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست.

۵-۱- تقسیم آب زاینده رود

معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهایی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادی‌ها داده‌اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست. جالبتر آنکه این مدت زمان تغییرات و نوسانات تا به امروزه با آمار متوسط عوامل جوی اصفهان منطبق بوده و اصالت خود را حفظ کرده است. شیخ بهایی طرز تقسیم‌بندی جریان آب زاینده‌رود را با توجه به محاسبات خیلی دقیق به ۳۳ سهم تقسیم نموده که هر سهم معادل ۵ شبانه روز قسمتی از آب رودخانه است که باید آب موجود در رودخانه به هر محله سرازیر شود که امروزه با نصب دستگاه‌های مختلف آب‌سنج‌ها در نقاط زاینده‌رود به همان نتیجه رسیده‌اند که او در ۴۲۰ سال قبل رسیده بود.

۵-۲- گرمابه شیخ بهایی

ساختمان حمام شیخ بهایی که در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۰۶۳ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، از مهمترین کارهای شیخ بهایی است که به احتمال نزدیک به یقین از روی ایده شمع خودکار احمد بن موسی بن شاکر خراسانی ساخته شده است. طرز کار این شمع خودکار و تهیه آبگرم سربینه حمام مذکور با مراجعه به شکل و دست خط و ترسیم احمد بن موسی بن شاکر خراسانی بخوبی مشهود است. نسخه اصلی کتاب او که فقط در موزه‌ها و کتابخانه‌های واتیکان، برلین، لندن، ترکیه موجود است، مکانیسم و عمل کار آن بدین طریق است که شرح داده می‌شود:

چون نقشه اصلی و خط نویسنده کتاب موسی بن شاکر خراسانی در دسترس است و از این لحاظ سعی شده که اصالت نقشه اصلی سازنده حفظ شود و شکل به طریقه مقطع و یا پرسپکتیو و یا ایزومتریک ترسیم نشده است (یعنی نقشه همانطور ترسیم شده و مثل نقشه های امروزی که به آن نقشه صنعتی می گویند رسم نشده است).

۱- کره فلزی «۱» که بالای آن سرهی است به لوله فلزی توخالی «۲» که یک سر آن فتیله و انتهای دیگر آن دنده دار است لحیم شده است. چون کره «۱» توخالی است، روی مایع شناور است و اگر سطح مایع سوخت پائین آید کره مذکور پائین آمده و لوله منحنی در مسیر حرکت می کنند و فتیله شعله ور می گردد.



شکل ۱: طرز کار شمع حمام شیخ بهایی

۲- «۴» قرمز رنگ بطرف چرخ دنده) هنگام حرکت دنده ها بطرف زنجیر حرکت می کند»۵» بطرف و در نتیجه حرکت زنجیرها بطرف انجام میگیرد

۳- فلوتر و یا گوی توپر «۵» دریچه «۶» را که سر ورود لوله سوخت است به بالا می برد و مایع سوخت وارد ظرف و یا منبع می شود. در نتیجه مخزن پر شده و دوباره گوی «۱» به بالا می رود و با این عمل دنده «۴» بطرف عکس حرکت و اینبار گوی «۵» دریچه را می بندد. در صورتی که دریچه بسته شود مازاد مایع از لوله عصائی «۷» که ارفلو است بخارج ریخته می شود بدون اینکه آسیبی به سیستم وارد کند.

۴- روی شمع مذکور ظرف لکن مسی بوده که حجم آبی برابر با ۳ و یا ۴ سطل گنجایش داشته و مرتبا در شبانه روز گرم بوده و آب آن برای کسانی که از شستشو فراغت یافته و سربینهء حمام قسمت خروجی نزدیک در کار گذاشته و جاسازی کرده بودند. دستگاه مذکور را حدود اواخر حکومت زندیه از زیرزمین بیرون آوردند و به خارج از ایران منتقل کردند. این اطلاعات از نسخه منحصر به فرد کتاب «الحبل» که فقط به تعداد سه نسخه در لندن، برلین و ترکیه وجود دارد، استخراج شده است (اگر دقت کرده باشید تقریبا کار این دستگاه شبیه آبگرمکن های گازی دیواری می باشد که آب را سریع گرم می کند).



تصویر ۱: حمام شیخ بهایی

۵-۳- هفت برج خاورن یا ارگ شیخ بهایی

بعد از گذشت بیش از ۴۰۰ سال، رعایت اصول شهرسازی در طرح شهر نجف‌آباد، دیده می‌شود؛ تعیین مسیر خیابان‌ها، شکل دادن به محله‌ها و تعیین مکان‌های مرکزی شهر. در نجف‌آباد هنوز ارگی وجود دارد به نام «ارگ شیخ بهایی» که به آن «هفت‌برج خاورن» هم می‌گویند و ساخت آن را به شیخ بهایی نسبت می‌دهند. هفت برج این بنا، با ۱۴ متر ارتفاع، برای جمع کردن کودهای حیوانی کبوترها طراحی و ساخته شده‌اند. فضای این مجموعه از نظر هندسی خیلی دقیق تقسیم‌بندی شده است.



تصویر ۲: ارگ شیخ بهایی

۶- اصفهان نمونه ای از تبلور و تجسم اندیشه های شیخ بهایی

شاید بتوان گفت اصفهان حیات خود را به عنوان یک هارتلند فرهنگی در عصر شیخ بهایی احیا و تجدید بنا نمود. این شهر در این عصر کار تولید فرهنگ را در چهارچوب معرفت نبوی آغاز کرد و نقش کلیدی در انتشار و مدیریت فرهنگ بخش بزرگی از جهان آن روز به عهده داشته است. به عبارتی ام‌القرای تفکر صدرایی گردید و تا چند دهه بعد امواج فرهنگی تولید شده در این کانون پرتو خود را در شعاع جغرافیایی دایره‌ای به قطر بغداد - دهلی می‌گستراند. بدیهی است ریشه های هنری، ادبی و رفتاری بسیاری از عملکردهای امروزی این شهر هنوز تحت تأثیر چنین امواجی است و عمق و ژرفای تأثیرگذاری این کانون به حدی است که عصر احیای چنین تفکری با بازشناسی و بلوغ معرفت تمدن‌شناسی در ایران امروز هرگز بعید به نظر نمی‌آید.

بدون تردید اصفهان از نظر مکانی دارای ویژگی‌های مطلوب سرزمینی است ولی آنچه وی را در میان شهرهای دنیا شهرت داده، جلوه‌های فکری و معرفتی بوده است که در آثار تولیدات کالبدی و محسوساتی به یادگار مانده است و نباید فراموش کرد که اصطلاح «اصفهان نصف جهان» هرگز به خاطر وسعت آن بدو داده نشد و فراخناکی آن در کانونی علمی فرهنگی که بعضاً نیمی از تولیدات فرهنگی و دانشی را در آن روزگار به عهده داشته او را زینده چنین لقبی نموده است. اصفهان را نمی‌توان شهری تاریخی صرف تلقی نمود که آثار و ابنیه تاریخی متعدد دارد بلکه این شهر محل بلوغ، کمال و تبلور یک مدنیت، یک تفکر و یک بینش نیز هست و به عبارتی آئینه تمام نمای تمدنی است که از وجوه مختلفی به ویژه در ابعاد فضایی در دنیای ما کم‌نظیر و در مواردی بی‌نظیر است. اصفهان تنها آزمایشگاه به یادگار مانده از یک سیستم فکری است که آثار ناشی از علم‌الحیل آن هنوز قابل دسترسی است و لذا از دیدگاه شناخت‌شناسی در ابعاد گوناگون به ویژه ابعاد فضایی و کالبدی، نه تنها بی‌نظیر است که پدیده قابل تأملی برای همه محققان و دانشمندان به ویژه در حوزه‌های معرفت تمدنی و مدنی است.

اصفهان در آرمان‌شهر شیخ یک شهر با مفهوم مرکز سکونت‌گاهی صرف مطرح نیست بلکه آن را کانون تولید اندیشه، حکمت و دانشی می‌داند که تدارک‌کننده روح آرمان‌شهر کلان وی است. از این رو مدینه فاضله شیخ را نباید به دیوارهای شهر اصفهان محدود کرد و اصفهان نه به عنوان شهری با مردمانی که در پی معیشتی می‌زیند تلقی نمود. اصفهان قلب آرمان‌شهری به وسعت بغداد تا دهلی است که جان و جوهره چنین پهنه‌ای را بازساخت فرهنگ و تفکر نبوی شکل داده و تغذیه‌کننده جریان حیات در این کالبد به شمار می‌آید. بنیاد چنین آرمان‌شهری بر اصول کلی خاصی استوار شده که از آن جمله است:

- توسعه بر مبنای دانایی و حکمت
 - تبدیل دانش و حکمت به هویت ملی و تمدن
 - استقلال جریان تولید علم از نظام دولت
 - الگوی سلسله مراتبی در آمایش سرزمین
 - معماری و تعلیم شبکه‌ای در تعریف هویت محلی [۷].
- حقیقتاً اصفهان عصر صفوی، یک تجربه کاملاً نوینی را در توسعه شهری و نوسازی شهری، پشت سر گذاشت و این تجربه می‌تواند به شکل جدیدی که مقتضای زمان است، تکرار شود. بر همین اساس ضرورت دارد که یک تصویر جامعی از این تجربه به دست دهیم:

۱- در اصفهان آن روز، یک طراحی کاملاً جدید و مدرن ارائه و به اجرا درآمد و اصفهان چنان توسعه‌ای پیدا کرد که نصف جهان خواندند. برای اینکه یک تصویری از وسعت آنچه روی داده به دست آید، کافی است بدانیم که آنچه امروز، در اصفهان، به نام خیابان عباس‌آباد، به عنوان یک خیابان فرعی در چهارباغ می‌شناسیم، یک شهرک جدیدی بوده با ده هزار واحد مسکونی، ۱۳ مسجد، ۹ حمام، ۲۴ کاروانسرا و ۵ مدرسه [۸].



تصویر ۳: میدان نقش جهان اصفهان

همچنین کافی است بدانیم که تنها یکی از باغ‌های اصفهان که در بخش باغی اصفهان جدید طراحی شد، باغ هزارجریب بوده است. وسعت این باغ از دروازه شیراز امروز تا نزدیک دامنه کوه صفه ادامه داشته و تمام دانشگاه اصفهان امروز را شامل می‌شده است. ژان باتیست تاورنیه، سیاح اروپایی بارها به اصفهان مسافرت کرد، آن را اینگونه توصیف کرده است که این باغ چون در دامنه تپه واقع است، شانزده طبقه بوده که هر طبقه تحتانی خود شش الی هفت پا بلندتر بوده است. در هر طبقه‌ای، حوضچه‌هایی وجود داشت که آب باریکی از آنها جاری بوده، اما در طبقه چهارم حوض بزرگی است که نزدیک به یکصد و بیست پا قطر دایره آن است و شکل حوض هشت گوش است، و دور آن به فاصله‌های متساوی چندین لوله نصب شده که آب از آنها با ارتفاع سه پا فوران می‌کند و به توسط سه پله می‌توان به میان حوض رفت. همچنین در طبقه دهم هم حوض دیگری نظیر طبقه چهارم به همان شکل و بزرگی وجود دارد. در طبقه آخر یعنی طبقه شانزدهم، یک نهری در عرض باغ جریان دارد که با تمام خیابان‌های طولی باغ تقاطع دارد و آبشارهای مختلفی نیز جریان دارد [۹].

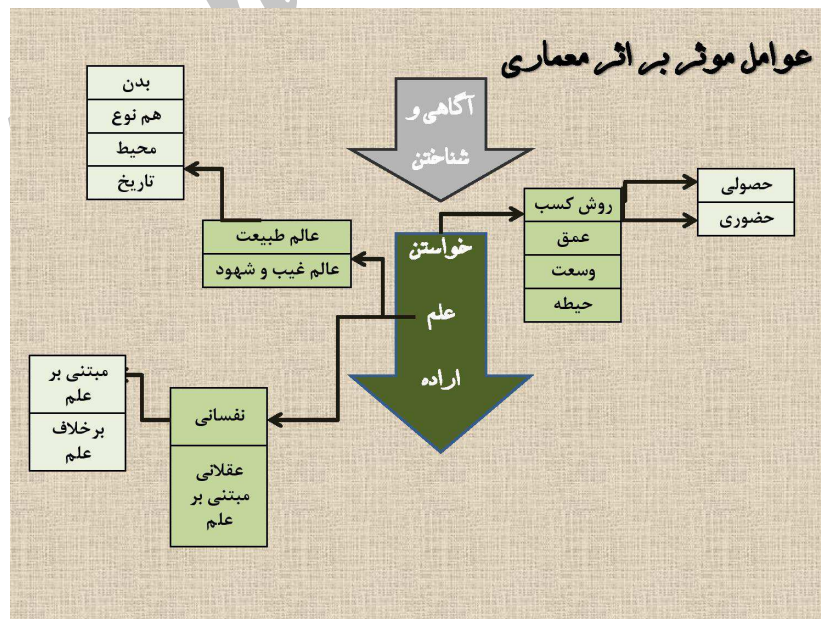
۲- بخش نو و مدرن خارج از بخش کهنه و سنتی ساخته می‌شود و بخش کهنه دست نخورده باقی می‌ماند. اما در بخش نو، علاوه بر میدان‌ها و خیابان و پلهایی که به شکل هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه و معناگرایانه طراحی شده‌اند، کاخ‌ها و مسجدها و حمام‌ها و بازارها و مدرسه‌هایی ساخته می‌شوند که به لحاظ اسلوب هنری و جنبه‌های معنوی و معنایی همبسته به هم و کاملاً منسجم هستند و مجموعه‌ای یکپارچه را تشکیل می‌دهند که زنده و گویا هستند. میدان عباسی، عالی قاپو، چهل ستون، کاخ هشت بهشت، مسجد شاه عباس (مسجد امام امروز)، مسجد شیخ لطف الله، مدرسه چهارباغ تنها جزیی از این مجموعه بهم بسته و یکپارچه است و هر یک شاهکاری از هنر و تجسمی از حکمت و تبلوری از اشراق و عرفان است [۷].

۳- بخش نو، بسیار هنرمندانه و حکیمانه، از طریق بازسازی و تکمیل و توسعه بازار شاهی، به بخش کهنه متصل می‌شود. این بازار، خود یک شبکه شهری گسترده بوده است که تمام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، مذهبی، بهداشتی و سلامت بخشی را پوشش می‌داده است و شامل انبوهی کثیر از مغازه‌ها در تمام اصناف آن روز، تیمچه‌ها، کاروانسراها، مدرسه‌ها، حمام‌ها، مسجدها، قهوه‌خانه‌ها و شفاخانه‌ها می‌شده است. همین الان بعد از چهار قرن، اگر در بازار بزرگ شاهی، سیری داشته باشیم، همه آنچه را که بیان شد، می‌توان دید و کاملاً ترکیبی از هنر و زیبایی‌شناسی و حکمت و اشراق و شریعت و اصول مهندسی و تکنیک‌های مختلف معماری را به نمایش می‌گذارد. و آیا ما امروزه شاهد چنین ترکیبی در پاساژها هستیم؟ مسئله این است که در ساختن بازارچه‌ها و پاساژها و سیتی‌سنترها، جایگاه حکمت و هنر و اشراق و شریعت، و معنویت و معناگرایی، و البته با رعایت مقتضیات زمانی، کجاست؟ به هر حال «بازار اصفهان با این حرکت عقلایی تمام عناصر مهم شهری اصفهان قدیم را به عناصر شهری جدید متصل کرد و در حقیقت نقش پلی را ایفا کرد و به این وسیله دو بافت قدیم و جدید به صورت یکپارچه درآمد. در این پل اقتصادی، مجتمع‌های فرهنگی و دینی قابل توجهی را به وجود آوردند، تا بر رونق آن بیفزایند» [۸].

۴- به وسیله چنین بازاری، ضمن اینکه نو از کهنه تغذیه می‌کرد، اما نو، حیات کهنه را دوام می‌بخشید و تضمین می‌کرد و به جای اینکه بین بخش سنتی و مدرن، تقابل ایجاد شود، تعامل پیدا شد [۱۰]. با ضمیمه شدن نو به کهنه، اصفهان قدیم گسترش و توسعه یافت. این توسعه بر اساس دو محور عمود بر هم صورت گرفت: محور شرقی - غربی که یک محور طبیعی، یعنی همان زاینده‌رود بود، و محور دوم که شمالی - جنوبی بود و یک محور مصنوعی، یعنی همان چهارباغ عباسی بود. البته بعداً یک محور مصنوعی دیگر به موازات چهارباغ احداث شد و هر دو محور، با دو پل به بخش باغی شهر متصل شد. چنین الگویی، نمی‌تواند فقط به دست شاه و دربار از یک طرف، مهندس و هنرمند، از طرف دیگر، طراحی شده باشد. زیرا نقش اشراق و عرفان و حکمت و شریعت، در این طراحی بسیار برجسته است.

۷- نتیجه گیری

شیخ بهایی به دقت دریافته بود که ایجاد زیرساخت‌های بنیادی در تولید دانش و حکمت از یکسو و تعریف چهارچوبه هویتی خاص در سطح ملی حرکت توسعه در ایران نیازمند نظریه‌پردازی در محور توسعه و نحوه آمایش سرزمین ایران بود و نیز متوجه این قضیه بود که رمز مانایی و قدرت یک تمدن در به‌کارگیری علم و هنر در خدمت دین و مذهب یک ملت است. از این رو برای دستیابی به این مهم در گام نخست به عنوان یکی از نزدیکان و مشاوران شاه عباس صفوی، در هر زمینه‌ای به شاه مشورت می‌داد تا بدین وسیله پایه‌های قدرت نرم این تمدن را که همان نیروی مذهب بود با ایجاد و تحکیم مذهب شیعه در ایران قوت بخشد. از دیگر سو با طراحی و اجرای ابنیه گوناگون در تمام قالب‌ها، از مسجد گرفته تا کاخ، پل، خیابان و باغ به دنبال کسب مانایی و قدرت سخت تمدن‌سازی در گذر قرون و اعصار بود تا از مسیر معماری به رشد و شکوفایی تمدن اسلامی - ایرانی یاری رساند. دیاگرام زیر بیانگر روند فکری شیخ بهایی از مرحله شناخت تا قضاوت و تحلیل یافته‌ها را در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد که قابلیت تعمیم و توسعه و تقسیم به اجزاء دقیق‌تر را دارد. استفاده از چنین ساختار و فرایندی فکری در امر طراحی به ویژه در فضای آموزشی می‌تواند بخش قابل توجهی از خلاها و مشکلات طراحی از نظر تا عمل را پوشش دهد.



شکل ۲: روند فکری شیخ بهایی از مرحله شناخت تا قضاوت و تحلیل یافته‌ها در حوزه‌های مختلف

مراجع

- [۱] جعفریان، ر، صفویه از دهور تا زوال، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۸.
- [۲] مهدی پور، دیدار با ابرار، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.
- [۳] رامشت، م، کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی منطقیهای، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۶
- [۴] اسلاتر، ریچارد، ترجمه عقیل ملکيفر، نواندیشی برای هزاره نوین، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران، ۱۳۸۶
- [۵] کاستلر، م، ترجمه حسن چاوشیان، عصر اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- [۶] رامشت، م، اصفهان مدینه ای نشسته بر حکمت و دانایی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۷.
- [۷] امامی جمعه، م، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۹۱.
- [۸] شفقی، س، ساختار و توسعه اصفهان عصر صفویه، مجموعه مقالات همایشی اصفهان و صفویه، اصفهان، ۱۳۸۰.
- [۹] اصفهانیان، د، باغ هزار جریب در عصر صفویه، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ۱۳۸۰.
- [۱۰] نائینی، م، معماران و مرمت گران سنتی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۸.

Archive of SID